

مطالعه و تحلیل تحولات تاریخی هنر - صنعت دستی موتابی در شهرستان میبد^{*}

حسن زارعی محمودآبادی^{**}
سارا سلمانی^{***}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

چکیده

به تأییدن موی بز برای تولید محصولات مستقیمی چون قاتمه، طناب، بارپیچ و محصولات غیرمستقیمی مانند لَت سیاه چادر، خورجین، جُل گاو، رونکی الاغ، و جهاز شتر، موتابی گفته می‌شود. قدمت این هنر - صنعت دستی در بفرویه که یکی از کانون‌های اصلی آن در کشور می‌باشد را می‌توان دست‌کم بیش از دو قرن دانست. مسئله اصلی این پژوهش، نشان دادن سیر تحولات تاریخی این هنر - صنعت در بفرویه میبد می‌باشد. هدف از این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، علاوه بر شناخت بهتر موتابی و تحولات تاریخی آن، هویت بخشی به اصحاب این هنر - صنعت و فراهم نمودن مقدمات رونق مجدد آن در اشکال و صورت‌های به‌روزتر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش که داده‌های آن به روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای و با ابزار مشاهده، مصاحبه، عکاسی و فیش برداری فراهم آمده‌است، نشان می‌دهد که از حدود دهه ۴۰ خورشیدی و با ورود انرژی برق، ماشین آلات و اتومبیل به بفرویه، به تدریج همه محورهاى مربوط به موتابی از جمله چگونگی تهیه موی بز، حمل و نقل آن، فرایند تولید، محصولات تولیدی، بازارهای مصرف، نرخ اشتغال و جایگاه آن در اقتصاد، پایگاه اجتماعی شاغلان به این هنر - صنعت و اعتبار شهر بفرویه دچار دگرگونی شده‌است. تقویت روحیه و اعتماد به نفس موتاب‌های بفرویی، کمک به شفاف شدن این نکته که موتابی هنوز هم صفت دستی بودن خود را به‌طور کامل داراست و همچنین کمک به فراهم آوردن مقدمات ثبت بفرویه به عنوان شهر ملی موتابی را می‌توان از دستاوردهای این پژوهش دانست.

کلیدواژه‌ها:

بفرویه میبد، تحولات تاریخی، صنایع دستی، هنر - صنعت موتابی.

این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان «شناسایی و معرفی هنر - صنعت دستی موتابی در بفرویه میبد» است که به راهنمایی نگارنده اول در دانشگاه میبد انجام پذیرفته‌است.

^{**} استادیار، گروه ایران شناسی، دانشگاه میبد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) / h.zarei@meybod.ac.ir

^{***} کارشناسی ارشد، گروه ایران شناسی، دانشگاه میبد، یزد، ایران / sarasalmani1993@yahoo.com

۱. مقدمه

مطابق با تعریف سازمان یونسکو، صنایع دستی به محصولاتی گفته می‌شود که تماماً با دست و یا ابزار دستی ساخته شده و مهم‌ترین بخش تولید محصول تمام‌شده، کار دست صنعت‌گر است. این صنایع، سابقه و سنت دیرین تولید، پشتوانه غنی تجربی، و ریشه‌هایی عمیق و استوار در فرهنگ و تاریخ هر قوم و ملت دارند (افتخار، ۱۳۹۴: ۵۱۹). تولیدات صنایع دستی از مواد اولیه بومی هر منطقه ساخته می‌شوند. با گذشت زمان، این صنایع شکل پیچیده‌تر و زیباتری به خود گرفته و به‌عنوان آثار هنری ارزشمند در دنیا شناخته می‌شوند. توجه به صنایع دستی ملل گوناگون، علاوه بر حفظ فرهنگ و تمدن آن ملت، به‌عنوان فعالیتی اقتصادی به رونق اقتصاد و رفع بیکاری کمک می‌کند، چرا که این صنایع همواره برای گروه‌های زیادی از صنعت‌گران شهری و روستایی ایجاد کار و درآمد نموده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که صنایع دستی به‌عنوان یکی از ارزنده‌ترین سرمایه‌های هنری هر کشور، ارائه‌دهنده هویت ماندگار هر قوم و اندیشه‌های ژرف یک ملت است (URL1).

شناخت دانش و فناوری‌های بومی که برخی از آن‌ها در قالب مفهوم صنایع دستی صورت‌بندی شده‌اند، از الزامات توسعه پایدار در کشورهای موسوم به کشورهای جنوب یا جهان سوم می‌باشد (فرهادی، ۱۳۹۳: ۲). خوشبختانه ایران از حیث دانش‌های بومی و فناوری‌های سنتی و صنایع دستی، موقعیت درخشنده‌ای در جهان دارد؛ هرچند که از نظر پژوهش و کار روی این دانش‌ها و فناوری‌های مردمی از وضعیت خوبی برخوردار نیست. طرفه آن که صنایع دستی در ایران تا همین اواخر متضمن و مبین هنر، جهان‌بینی، فرهنگ نو به نو شدن مستمر، فرزند زمانه و زمینه‌بودن و ارتباط بین زمین و آسمان بوده‌است، هرچند که مدتی است به غلط معنای رکود، کهنگی و گذشته‌گرایی و سکون می‌دهد (بهشتی، ۱۴۰۳: ۳۲۹-۳۲۷).

استان یزد و شهرستان میبد به دلایل گوناگون از جمله موقعیت جغرافیایی، بی‌رونق بودن فعالیت‌های کشاورزی به علت کمبود آب و همچنین پشتکار و نیروی ابتکار و خلاقیت مردمان آن، به شکل گسترده‌ای به مشاغل چوب صنایع دستی و تجارت روی آورده‌است (خاکزار بفروئی، بناء بفروئی، و موسوی، ۱۴۰۰: ۳۸۹). برخی از صنایع دستی شهرستان میبد مانند سفالگری و زیلوبافی نه تنها اعتبار ملی که شهرتی جهانی دارند، به‌گونه‌ای که شهرستان میبد در سال ۱۳۹۷ از سوی رئیس وقت شورای جهانی صنایع دستی، به‌عنوان شهر جهانی زیلو شناخته شده‌است (URL2). شهر بفروئی به میبد از شهرهای خلاق در حوزه صنایع دستی بوده و در شمال غرب شهرستان میبد واقع است. بفروئی از طرف شمال به شهرستان اردکان و از جنوب به محله ده‌آباد میبد و از شرق به محله عشرت‌آباد میبد محدود می‌شود. جمعیت این شهر در حال حاضر حدود ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد (خاکزار بفروئی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷).

در مورد موتابی باید گفت که نه فقط در گذشته مهم‌ترین و اصلی‌ترین صنایع دستی رایج در بین مردمان بفروئی بوده و نقش قابل توجهی در اقتصاد مردم بفروئی داشته و منبع اصلی درآمد آن‌ها محسوب می‌شده‌است، بلکه امروزه نیز در سطح کشور بیش‌تر به بفروئی میبد اختصاص دارد (امیدوار، ۱۳۹۹: ۹۵). هنر - صنعت موتابی به اندازه‌ای دارای ارزش فرهنگی است که در دی ماه ۱۳۹۳ و به شماره ۱۰۶۴، در فهرست آثار ناملموس ملی، به ثبت رسیده است. همچنین در تیر ماه ۱۴۰۳ با تلاش مدیران، مسئولین و مردم بفروئی، این شهر از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به‌عنوان شهر ملی موتابی ایران نام‌گذاری شد و به ثبت رسید.

ضرورت و اهمیت این پژوهش برخاسته از اهمیت فرهنگی و میراثی شناسایی و حفظ دانش‌های بومی و صنایع دستی و به‌ویژه مشاغل است که به هر دلیلی در حال فراموشی هستند. هدف از انجام این پژوهش علاوه بر شناسایی و معرفی هنر - صنعت دستی موتابی بفروئی میبد و بررسی سیر تحولات آن از ابتدا تاکنون و در محورهای گوناگون، جلوگیری از فراموشی این هنر - صنعت، هویت‌بخشیدن به موتابی و موتابان بفروئی و نشان‌دادن این موضوع است که به‌رغم صنعتی‌شدن و استفاده از نیروی برق در بخش فرآوری مواد اولیه، تولید محصولات این هنر - صنعت همچنان دستی است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد مردم‌شناسانه انجام شده‌است. داده‌های این پژوهش به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای و به شیوه فیش‌برداری، مصاحبه، مشاهده و عکاسی جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش در روش میدانی عبارت است از موتاب‌های بفروئی، آگاهان و مورخین محلی و مدیران شهری بفروئی. نمونه‌های آماری لازم به شیوه غیراحتمالی گلوله‌برفی تا آخرین نمونه و یا تا سرحد اشباع نظری انتخاب شده‌اند. از این قرار ابتدا با مطلعین شهر بفروئی ملاقات شده و پس از مصاحبه و گفت‌وگو درباره کلیات هنر - صنعت

دستی موتابی، از دانایان و فعالان عملی این عرصه پرس‌وجو شده و بدین صورت افراد بیش‌تری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و پس از آن جلسات تخصصی مصاحبه با ایشان برگزار شد. در این مصاحبه‌ها، پژوهشگران سوال‌های خود را پرسیده و پاسخ‌ها را به‌صورت صوتی ضبط کرده‌اند. سپس پاسخ‌ها را در رایانه پیاده‌سازی، دسته‌بندی و کدگذاری نموده و در مرحله بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. مرحله بعد مشاهده است که هم به‌صورت مشاهده صرف و هم به‌صورت مشاهده مشارکتی بوده‌است. برای مشاهده، پژوهشگران به کارگاه‌های محدود و تاریخی محله بفروئیه رفته و مشاهدات خود درخصوص این هنر - صنعت دستی را ثبت و ضبط کرده و آن‌ها را تقسیم‌بندی نموده و در صورت‌بندی برای مخاطب عام و غیرمتخصص تا حدودی قابل ارائه کرده‌اند. حتی برای درک بهتر و ژرف‌تر از کم و کیف موتابی، یکی از نویسندگان مدتی نزد یکی از استادان موتابی مشغول یادگیری بوده به‌گونه‌ای که هم‌اکنون می‌تواند موتابی را به صورت عملی انجام بدهد.

۳. پیشینه پژوهش

به‌رغم اهمیت موتابی و ثبت ملی و تأثیرات فرهنگی و اقتصادی آن، تاکنون پژوهش شایسته و دقیقی که متکی به روش میدانی بوده و سیر تحولات تاریخی این هنر - صنعت را مدنظر قرار داده باشد، انجام نشده‌است. با این حال می‌توان از منابع زیر به‌عنوان پیشینه این پژوهش یاد کرد هرچند به صورت مختصر نوشته شده‌اند:

مرتضی خاکزار بفروئی، حمیدرضا بناء بفروئی و سید مصطفی موسوی (۱۴۰۰) در کتاب بفروئیه در گذر زمان، به اختصار از صنایع دستی بفروئیه از جمله هنر - صنعت موتابی، مواد مورد نیاز و ابزار مورد استفاده و سختی این کار سخن گفته‌اند، ولی اطلاعات جامع و کافی از تکنیک این هنر - صنعت و سیر تحولات آن را ارائه نکرده‌اند.

کمال امیدوار (۱۳۹۹) در کتاب شهر بفروئیه از منظر گردشگری، در صفحات معدودی ضمن معرفی اجمالی موتابی، به معرفی ابزارها و شیوه کار موتابی و تولیدات آن پرداخته و به بازار خرید محصولات آن، اشاره کوتاهی کرده‌است. با این‌همه، جزئیات این هنر - صنعت و سیر تحولات آن را از نظر دور داشته‌است.

محمدسعید جانب‌اللهی (۱۳۸۵) در کتاب چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد، در چند صفحه معدود، هنر - صنعت موتابی را معرفی و به ابزار و وسایل مورد نیاز، فرایند تولید محصولات و درآمد حاصل از آن اشاره کرده، اما داده‌های خود را کم‌تر به روش میدانی جمع‌آوری کرده، از جزئیات آن چشم‌پوشی نموده و به خصوص به سیر تحولات آن تاکنون و در بستر تاریخی آن نپرداخته‌است. بر مبنای کاستی‌های موجود در این تحقیقات، در پژوهش حاضر به مواد اولیه، تکنیک تولید و انواع محصولات تولیدی و بازارهای مصرف محصولات این هنر - صنعت دستی به‌طور گسترده و هم‌چنین به سیر تحولات آن از ابتدا تاکنون پرداخته می‌شود.

صنایع ایران
شهرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران
سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۲
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱۹۹

۴. هنر - صنعت دستی موتابی

موتابی، از ترکیب دو واژه «مو» و «تابی» تشکیل شده که به‌معنای تابیدن موی بز است و به کسی که این کار را انجام می‌دهد، موتاب گفته می‌شود. حاصل تابیدن موهای بز به‌همدیگر تولید نخ مویی است که به آن قاتمه می‌گویند و از تابیدن دو رشته نخ مویی، قاتمه تابیده ایجاد می‌شود. سایر محصولات تولیدی این هنر - صنعت حاصل تابیدن و بافتن قاتمه‌های ناتاب و تابیده به یکدیگر است (رمضانخانی، ۱۳۹۳: ۲۷۶).



تصویر ۱: لت سیاه‌چادر و قاتمه‌های رنگی تابیده‌شده با موی بز (URL3)

از جمله محصولات تولیدی موتابی می‌توان به طناب، باریج، جوال مویی، خورجین، جُلِ گاو (برای محافظت از گاو در فصل سرما روی حیوان انداخته می‌شود)، رونکی الاغ، جهاز شتر و تخته‌های سیاه‌چادر عشایر اشاره کرد (تصویر ۱). مهم‌ترین کاربرد نخ‌های مویی در تولید تخته‌های سیاه‌چادر عشایر است که به آن لت نیز می‌گویند. از به هم دوختن چند لت به یکدیگر، سیاه‌چادر ایجاد می‌شود (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱).

خاستگاه موتابی به طور دقیق مشخص نیست اما زمانی در شهرهایی مانند اصفهان، تهران، مشهد و لرستان رایج بوده است. با اطمینان می توان گفت که امروزه یکی از کانون های اصلی موتابی در کشور و همچنین پایگاه و خاستگاه اصلی آن در استان یزد، بفرویه میبد است (خاکزار بفرویی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱۲). پژوهش های میدانی این تحقیق، نشان می دهند که قدمت این هنر - صنعت در بفرویه میبد به بیش از ۲۰۰ سال می رسد (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱). بر پایه استعلام انجام شده از اداره ثبت احوال و اسناد شهرستان میبد توسط یکی از موتابان بفرویی که خود بعدها به ریاست اداره ثبت احوال و اسناد هم رسیده است، در حال حاضر نام خانوادگی بیش از سیصد نفر از اهالی شهر بفرویه، موتاب بفرویی است که نشان دهنده پیشینه تاریخی و رواج این شغل از سال های قدیم تر در این محل است (جمال موتاب، رئیس سابق اداره ثبت احوال شهرستان اردکان، و محمدبرزگر (عابدین)، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

۴-۱. مواد اولیه

ماده اصلی و اولیه برای موتابی، موی بز و وسیله لازم برای تابیدن رشته های مو به یکدیگر، چرخ چوبی موتابی است. چرخ که از سال های دور تاکنون، کوچک ترین تغییری در ظاهر و کاربری آن صورت نگرفته است (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱). علت اصلی به کار بردن این نخ های مویی در بافت سیاه چادر، به خاصیت ارتجاعی موی بز و دوری حیوانات گزنده ای چون عقرب و مار از آن مربوط است. منظور از خاصیت ارتجاعی موی بز این است که در هوای سرد منقبض شده و رشته های مو به یکدیگر نزدیک می شوند و از ورود باران به چادر و از بیرون رفتن هوای گرم داخل چادر جلوگیری می شود و در هوای گرم عکس این واکنش را انجام داده و باعث تهویه و خنک شدن هوای داخل چادر می شود (کریمی، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

موی بز مورد استفاده در هنر - صنعت دستی موتابی، به چند روش به دست می آمده است:

۱. موهایی که در دباغ خانه ها با دست از پوست جدا می کردند، ضایعات و گرد و خاک کمتر و کیفیت و دوام بیشتری داشته، بدون آهک و زرنیخ بودند و همین امر سبب دوام بیشتر موها می شد. همچنین حین کار با این دسته از موها مشکل تنفسی کمتری برای موتاب ها ایجاد می شد (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱).

۲. موهایی که در دباغ خانه ها با آهک و زرنیخ جدا می شدند به دلیل آغشته بودن به آهک و زرنیخ، باعث ایجاد مشکلات تنفسی، ریوی و آسم در موتاب ها می گردیدند. عمده موهای مصرفی موتابان بفرویه، از این نوع بوده است (جانب الهی، ۱۳۸۵: ۴۳۰).

۳. موی به دست آمده از بز زنده بسیار نادر بوده است و به گفته موتابان، این نوع در موتابی خیلی کم استفاده می شود. با آن که موی بز زنده از کیفیت و دوام زیاد و همچنین از ضایعات و گرد و خاک کمتری نسبت به موهای دباغی شده برخوردار است، به اندازه کافی در بازار موجود نیست. بنابراین موی به دست آمده از بز زنده به رغم مرغوبیت آن، دست کم در روزگاری که این هنر - صنعت رونق فراوان داشت، نمی توانست پاسخگوی نیاز مشتری به محصولات باشد و تنها پرورش دهندگان بز می توانستند از موتاب ها درخواست کنند تا از موی بزهای خودشان برای آنان قاتمه تولید کنند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

بعد از خرید موها، نیاز به وزنی و حلاجی موهاست تا برای تابیدن مناسب باشند و برای حلاجی و گردگیری مو، به ابزار و وسایلی نیاز است. از جمله ابزارهای سنتی مورد استفاده برای گردگیری و حلاجی موها، کمان و تخته زیگا هستند که دومی به دو صورت ثابت و سیار وجود دارد (تصاویر ۲ و ۳). همچنین دستگاه های برقی شامل دستگاه گردگیر و دستگاه حلاجی بودند که بعدها و با جایگزینی نیروی انسان با انرژی برق و ماشین آلات (تصویر ۴)، هر کدام از این وسایل در برهه ای از زمان به کمک موتابی آمدند (محمدبرزگر، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).



تصویر ۳: استفاده از تخته زیگا برای حلاجی موها (همان)



تصویر ۲: کمان حلاجی موها (سارا سلمانی، ۱۴۰۲)



تصویر ۴: از سمت راست، دستگاه موازنی و دستگاه حلاجی برقی (همو، ۱۴۰۱)

۲-۴. فرایند تولید

بعد از آماده شدن موها برای تابیدن، شخص موتاب آن‌ها را درون کیسه‌ای که در گویش محلی به آن «همبونه» گفته می‌شود قرار داده و به کمر می‌بندد و کمر بند دیگری متصل به «شِگِل» که در گویش محلی «شِگِلْگ» نامیده می‌شود را به کمر بسته و سپس آن را محکم به طناب چرخ می‌بندد تا با حرکت خود به عقب، طناب چرخ هم کشیده شده و سرپر چرخ چوبی موتابی و قرقره‌ها، به حرکت درآید. موتاب، دسته‌ای از موهای درون همبونه را به دور دوک می‌اندازد و سپس به صورت عقبرفت تا ته سالن حرکت می‌کند و همراه با حرکت او، سرپر چرخ نیز حرکت کرده و بند چرخ که به دور سرپر و دور گردونه قرار دارد، سبب چرخش دوک راست‌تاب شده، تابیدن مو شروع می‌شود و قاتمه‌ی ناتاب به وجود می‌آید (امیدوار، ۱۳۹۹: ۲۴۵).

پس از رسیدن موتاب به انتهای سالن موتابی، قاتمه ناتاب را به نخ‌گیر متصل به دیوار در انتهای سالن یا هر مکانی که در آن عمل موتابی انجام می‌شود، وصل کرده، شِگِلْگ را از طناب باز کرده و دوباره به ابتدای سالن برمی‌گردد تا تابیدن نخ دوم که رشته‌ای دیگر از قاتمه ناتاب است را آغاز کند. اما قبل از آن، ابتدای نخ اول را به میخ فرورفته به گنده چرخ موتابی متصل می‌کند و دوک را برای رسیدن نخ دوم خالی کرده و دوباره فرایند قبل تکرار می‌شود. بعد از این که رشته دوم تابیده شد، در انتهای سالن به نخ اول متصل به نخ‌گیر وصل شده و اگر هدف تولید قاتمه ناتاب باشد، دوباره این فرایند تکرار می‌شود (تصاویر ۵ تا ۷).

اما برای تهیه قاتمه تابیده، بعد از اتصال دو رشته نخ قبلی، آن‌ها را از نخ‌گیر جدا کرده و به لنگرکش متصل می‌کنند و بعد به ابتدای سالن رفته و ابتدای هردو نخ را از میخ متصل به کنده جدا کرده و به دوک چپ‌تاب متصل می‌کنند. سپس موتاب برای بار سوم شروع به تابیدن نخ می‌کند. این بار علاوه بر تابیده شدن یک رشته موی جدید، دو نخ مویی قبلی توسط دوک چپ‌تاب به یکدیگر تابیده می‌شوند که به این رشته نخ تابیده، قاتمه تابیده گفته می‌شود. هم‌زمان با تابیده شدن این دو رشته، لنگرکش به سمت بالا آمده و بعد از تابیده شدن نخ‌ها که حدود ۱۵ متر طول داشتند، تقریباً یک متر از طول آن‌ها کم می‌شود. این حرکت ادامه پیدا می‌کند و قاتمه‌های ناتاب و تابیده تولید می‌شوند. واحد شمارش نخ‌ها «تر» است. هر تر شامل

چهار قاتمه تأییده است. با استناد به توضیحات یکی از موتاب‌ها، قاتمه‌های نازک‌تر و یکدست‌تر خریدار بیش‌تر و قیمت بالاتری دارند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).



تصویر ۶: شروع فرایند موتابی (همان)



تصویر ۵: چرخ چوبی موتابی (سهیلا سلمانی، ۱۴۰۲)



تصویر ۷: تأییدن مو توسط موتاب (همو، ۱۴۰۱)

۵. سیر تحولات هنر - صنعت موتابی از اواخر دوره قاجاریه تا اوایل دوره جمهوری اسلامی

اگر به سیر تاریخی هنر - صنعت موتابی نگاهی داشته باشیم، تغییرات آن در زمینه‌ها و ابعاد مختلف، قابل مشاهده و تأمل خواهد بود. از جمله چگونگی تهیه مواد اولیه، حمل و نقل آن، فرایند تولید، محصولات تولیدی، بازارهای مصرف، نرخ اشتغال، اهمیت آن در معیشت شاغلان به آن و جایگاه آن در اقتصاد، پایگاه اجتماعی موتاب‌ها و اعتبار شهر بفرویه دچار دگرگونی‌های فراوانی شده‌است. در ادامه به تفصیل به شرح دگرگونی‌های هریک از جنبه‌های مختلف این هنر - صنعت خواهیم پرداخت و سیر تاریخی آن را از زمانی که قابل شناسایی بوده تاکنون، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱. تهیه مواد اولیه لازم برای موتابی

همان‌گونه که اشاره شد، ماده اولیه و اصلی در موتابی، موی بز است که تهیه آن از گذشته تا به امروز تحولاتی داشته‌است. در سال‌های دور و زمانی که این هنر - صنعت تازه به بفرویه آمده بود، موتاب‌ها از موی بزهای منطقه ندوشن میبید استفاده می‌کردند که یا به‌صورت زنده از بزها چیده شده بودند و یا از پوست دباغی‌شده بزها به‌دست می‌آمدند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۵: ۴۱۵). مقدار این موها بسیار کم بود و به‌دنبال آن تولید قاتمه و سایر محصولات نیز اندک بود. چندین دهه به همین منوال گذشت تا این‌که با رواج بیش‌تر این هنر - صنعت در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی، موتاب‌ها برای تأمین موی مورد نیاز خود به مشهد و تهران مراجعه کرده و از دباغ‌خانه‌های این شهرها موی بز دباغی‌شده را

خریداری می‌کردند. این خرید، معمولاً به صورت حضوری و توسط خود موتاب‌ها و یا تاجران این حرفه انجام می‌شد. این دگرگونی در شیوه تهیه مواد اولیه و میزان آن ناشی از این بود که کامیون به یزد و میبد آورده شده و به همین دلیل بازارهای جدیدی برای محصولات تولیدی موتابی پیدا شده بود که به ازدیاد تولید و مصرف آن انجامید.

بعد از خرید موها، آن‌ها را مستقیماً به کاروانسراهای شهر یزد می‌بردند. در آن‌جا موتابی توسط موتاب‌های بفروئی ساکن یزد انجام می‌شد. هم‌چنین موها حلاجی شده و بعد به بفروئی منتقل می‌شدند. گاهی نیز موها را بدون این‌که حلاجی کنند به بفروئی می‌آوردند و حلاجی با استفاده از کمان و تخته زیگای موجود در کارگاه‌ها انجام می‌شد. در دهه ۴۰ خورشیدی، با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، دستگاه مو وازنی و گردگیر برقی به یزد آمد و کارخانه مو وازنی در یزد احداث شد. به این ترتیب، بعد از خرید، موها را مستقیماً به کارگاه‌های مو وازنی شهر یزد می‌بردند و در آن‌جا با دستگاه گردگیر (بُلف) و دستگاه مو وازنی، آماده‌تاییدن می‌کردند (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱). بعد از آن موتاب‌های بفروئی به وانت‌بار، موهای مورد نیاز خود را به بفروئی آورده و در کنار آسیاب آبی تخلیه می‌کردند و از آن‌جا با الاغ، موها را به کارگاه‌ها برده و بین موتابان توزیع می‌کردند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

در اوایل دهه ۵۰ خورشیدی بود که موتابان بفروئی برای آسان‌تر شدن کار خود و بالابردن میزان تولید و درآمد، با کمک هم یک دستگاه حلاجی و مو وازنی را به صورت مشترک خریداری کردند و بفروئی کارخانه مو وازنی خود را راه‌اندازی کرد. از آن پس، موتاب‌های بفروئی از کارخانه مو وازنی یزد بی‌نیاز شدند و موها بعد از خرید از مشهد و تهران مستقیماً به کارخانه مو وازنی بفروئی آورده می‌شدند و بعد از وازنی، با موتورسیکلت و نه با الاغ، به کارگاه‌های موتابی شهر برده شده و به نخ تبدیل می‌شدند (محمد برزگر، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱). این شیوه حلاجی موها تا سال‌ها ادامه یافت تا این‌که یکی از کارگاه‌های موتابی بفروئی نیز دستگاه کوچک‌تر حلاجی و گردگیری موها را خرید. دهه ۶۰ خورشیدی را می‌توان دوره طلایی هنر - صنعت دستی موتابی در بفروئی به شمار آورد. کارخانه‌های مو وازنی، سبب رونق این هنر - صنعت شدند، زیرا علاوه بر تولید بیش‌تر محصولات، موهای حلاجی شده نیز به عنوان کالای واسطه‌ای توسط عشایر سیستان و بلوچستان و فارس خریداری می‌شدند (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

در اوایل دهه ۷۰ خورشیدی از اصفهان نیز موهای بز دباغی شده به بفروئی آورده می‌شد. اما به دنبال افول تدریجی موتابی که از اواخر دهه ۶۰ آغاز شده بود، از تعداد خریداران محصولات آن کاسته شد. همین موضوع باعث شد که کارخانه مو وازنی بفروئی تعطیل شود و پس از آن، خرده‌موی مورد نیاز با استفاده از دستگاه‌های حلاجی و مو وازنی کارگاه شخصی یکی از موتاب‌ها حلاجی و سپس وازنی می‌شد. حاصل آن‌که در حال حاضر تعداد معدودی کارگاه وجود دارند که موی مورد نیاز خود را به صورت گردگیری شده و حلاجی شده از سمنان تهیه می‌کنند (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱).

۵-۲. فرآوری و آماده‌سازی مواد اولیه

برای موتابی لازم است که موهای بز، آماده‌تاییدن شوند. آماده‌سازی موها به معنی جداکردن موهای رنگی و مشکی از یک‌دیگر، جداکردن کرک از موها و هم‌چنین جداسازی ضایعات و ناخالصی‌ها از مو و گردگیری موها و در نهایت بازکردن رشته‌های مو از هم است تا ریسیدن و تابیدن موها بهتر انجام گیرد. طی سالیان گذشته حلاجی و وازنی موها با ابزار و وسایل گوناگونی انجام می‌شده است. با توجه به قدمت هنر - صنعت موتابی می‌توان گفت حلاجی موها در سال‌های ابتدایی با دست و اغلب توسط زنان و در خانه‌ها انجام می‌گرفته است (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱). حلاجی باعث می‌شد تا رشته‌های مو از یک‌دیگر باز شده و تابیدن موها به یک‌دیگر راحت‌تر و بهتر انجام شود. لازم به ذکر است که حتی بعد از پیشرفت تکنولوژی و ورود صنعت به این حرفه نیز جداکردن کرک از موها و هم‌چنین جداسازی موهای رنگی از یک‌دیگر باید به کمک نیروی انسانی و با دست انجام می‌شد. کرک ماده ارزشمندی بود که از مو گران‌قیمت‌تر بوده و برای تولید محصولات دیگر کاربرد داشت (کمال بتا، ریاست سابق هلال‌احمر شهرستان میبد، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی، موتابان برای گردگیری و حلاجی موها از کمان حلاجی و تخته زیگا استفاده می‌کردند که وسایلی دستی و ساده بودند. کمان وسیله‌ای چوبی سرگرد و دارای زه بود که در قدیم بیش‌تر برای وازنی پنبه از آن استفاده می‌شد، اما در حرفه موتابی، جزو اولین وسایلی بود که جهت وازنی موهای بز از آن استفاده می‌کردند. قدمت استفاده از این وسیله به دوره قاجار می‌رسد. به گفته موتابان، به

اندازه‌ای این کمان مورد استفاده و پرکاربرد بود که شخصی از اهالی دیگر محلات میبد، زه کمان که از فراوری روده گوسفند به وجود می‌آمد را تولید کرده و برای فروش، به در کارگاه‌های موتابی مراجعه می‌کرد (محمد برزگر، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

ابزار دیگر تخته زیگا نام داشت که دو نوع ثابت و متحرک (سیار) دارد. در سال‌های دور، تخته زیگا معمولاً به صورت ثابت در گوشه‌ای از کارگاه ساخته می‌شد و این تخته به شکل مکعب و با عرض و طول تقریبی یک متر بود که روی آن نیز سنگ کوهی صاف و مسطحی قرار می‌دادند. در دو طرف ضلع بالایی سکو، چوب‌هایی به زمین متصل می‌کردند که دو طناب به چوب‌ها متصل و سر دیگر طناب به یک چوب دیگر که در دست حلاج بود وصل می‌شد. موها را روی این سکو ریخته و با حرکت و زدن این طناب بر روی موها و ارتعاشاتی که در طناب ایجاد می‌شد، رشته‌های مو از هم‌دیگر باز شده و برای تاییدن آماده می‌شدند. ضایعات موجود در موها هم کف سکو ریخته می‌شدند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۵: ۴۱۸).

تخته زیگای سیار، کاربری مشابهی با تخته زیگای ثابت دارد با این تفاوت که به صورت تخته‌ای چوبی به شکل دایره یا چهارگوش است که روی چهارپایه‌ای از جنس فلز نصب می‌شود تا بتوان در صورت کمبود فضا آن را جابه‌جا کرد. در حال حاضر در بعضی از کارگاه‌های بفروئیه کمان و تخته زیگای سیار به چشم می‌خورد. مقدار موی حلاجی‌شده به وسیله کمان و تخته زیگا معمولاً به بیش از سه یا چهار کیلو مو در یک روز کاری نمی‌رسید. به دنبال آن، تولیدات این هنر - صنعت نیز کمتر بود (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی با احداث کارخانه مو وازنی در یزد، کار گردگیری و حلاجی مو با دستگاه‌های برقی آسان‌تر شد و علاوه بر آن، سرعت آماده‌سازی موها نیز افزایش یافت. بنابراین موها بعد از خرید از دباغ‌خانه‌های مشهد و تهران مستقیماً به این کارخانه برده می‌شدند. دستگاه‌های موجود در این کارخانه شامل دستگاه گردگیر و دستگاه حلاجی بودند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

دستگاه گردگیر، کار گردگیری موها و تا حدودی وازنی موها را انجام می‌دهد و در بین اهالی بفروئیه به دستگاه «بُلف» معروف است. این دستگاه از یک میله ضخیم تشکیل شده است که به صورت افقی در وسط دستگاه قرار دارد و تعدادی میله نوک‌تیز کوتاه به صورت عمودی بر روی این میله افقی قرار دارند. در هنگام اتصال به برق، این میله به صورت دورانی حرکت می‌کند. همراه با حرکت میله، موهایی که از قسمت فوقانی به درون این دستگاه ریخته می‌شوند به چرخش درآمده و علاوه بر جداسدن ضایعات و گرد و خاک موها، چنگک‌های این میله باعث بازشدن موها از هم‌دیگر می‌شوند. سپس موهای گردگیری‌شده از دریچه پشت دستگاه به بیرون پرتاب می‌شوند. ضایعات موجود در موها نیز از طریق صفحه توری مانند کف دستگاه که زیر میله افقی قرار دارد، به زیر دستگاه ریخته می‌شوند. موها را دو یا سه مرتبه به این دستگاه وارد می‌کنند تا ضایعات و خاک آن‌ها به خوبی جدا شود و تارهای موی تمیزشده، بهتر و بیش‌تر از هم باز شده و برای تاییدن آماده شوند.

بعد از گردگیری موها، آن‌ها را درون دستگاه حلاجی می‌ریزند که نسبت به دستگاه بُلف کوچک‌تر است و بیش‌تر برای از هم بازشدن و حلاجی موها مورد استفاده قرار می‌گیرد. دستگاه گردگیری، دارای گردونه‌ای استوانه‌شکل با برآمدگی‌های سوزن‌مانند و نوک‌تیز است که با ردشدن موها از لابه‌لای این شیارها وازنی انجام می‌شود. موها را دو یا سه مرتبه وارد این دستگاه می‌کنند تا خوب حلاجی شوند. بعد از آن موها برای تاییدن و تبدیل به قاتمه ناتب و تاییده آماده هستند.

به‌رغم آمدن ماشین‌آلات به یزد و بفروئیه میبد، کمان و تخته زیگا همچنان در کارگاه‌های بفروئیه و نیز در کاروانسراهای یزد که موتابی و فروش محصولات از سوی بفروئی‌ها در آن‌جا صورت می‌گرفت، وجود داشت و گاه‌گاهی برای بازشدن بهتر موها از آن‌ها استفاده می‌کردند (محمد برزگر، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱). در اواسط دهه ۵۰ خورشیدی، موتابان بفروئیه برای راحتی در کسب و کار و افزایش تولید و فروش محصولات، کارخانه مو وازنی را در بفروئیه احداث نمودند. از این دهه به بعد موها مستقیماً بعد از خرید، به بفروئیه آورده می‌شدند. موتابان به کمک این دستگاه‌ها، روزانه حدود ۳۰۰ کیلوگرم مو را می‌توانستند گردگیری و حلاجی کنند. به دنبال آن، بر سرعت تولید افزوده شد و افزایش فروش رقم خورد. هم‌چنین فروش موهای حلاجی و گردگیری‌شده به عشایر سیستان و بلوچستان و فارس به‌منظور تاییدن و تبدیل کردن موها به قاتمه برای سیاه‌چادرهای آنان نیز آغاز شد که تحول و دگرگونی مهمی به حساب می‌آمد. زیرا علاوه بر افزایش تولید و گسترش بازار مصرف، موهای وارداتی را صرفاً و به صورت مزدی وازنی می‌کردند و به‌عنوان یک کالای واسطه‌ای و برای ادامه فرایند تولید محصولات به صاحبان مو تحویل می‌دادند (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

۳-۵. بازار فروش محصولات موتابی

می‌توان گفت که هنر - صنعت موتابی از سالیان دور تا اوایل دهه ۴۰ خورشیدی، حرفه‌ای با درآمد معمولی و گاهی پایین‌تر از حد معمول بود و از لحاظ اجتماعی نیز منزلت و جایگاه چندانی در بین اهالی شهر نداشت. در آن ایام، محصولات تولیدی این حرفه از قبیل طناب، بارپیچ، جل‌گاو، رونکی‌الاغ، جهاز شتر و شال چهارتخته اکثراً در خود بفروشی و سایر محلات میبد و اردکان به فروش می‌رسیدند. پس از آن‌که این حرفه توسط عده‌ای از اهالی بفروشی در کاروانسراهای یزد آغاز شد، محصولات موتابی در آن مکان و در بازار خان یزد نیز به فروش می‌رسید. در کل می‌توان گفت تا دهه ۴۰ خورشیدی، بیش‌تر مردمان شهرستان‌های یزد، میبد، اردکان و خود بفروشی‌ها که محله‌شان بین میبد و اردکان واقع شده بود، خریدار محصولات تولیدی این هنر - صنعت بودند و محصولات تولیدی نیز بیش‌تر با نیاز اهالی این مناطق متناسب بودند. اما به‌تدریج، علاوه بر مشتریان بومی، مشتریان غیربومی که عشایر و یا تاجران از استان سیستان و بلوچستان و نیز عشایر استان فارس بودند، اضافه شدند (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱).

در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ خورشیدی، احداث کارخانه مو وازنی بفروشی باعث افزایش بیش از پیش مشتریان اعم از بلوچ و غیربلوچ از نقاط عشایرنشین مختلف شد. این افزایش بی‌سابقه مشتری و فروش زیاد تولیدات موتابی، یک دهه ادامه داشت و می‌توان از آن با عنوان دوره طلایی هنر - صنعت موتابی یاد کرد. در این دوره، موتابان زمان کافی برای بافت محصولات جانبی خود را نداشتند و تنها قاتمه تولید می‌کردند که باز هم پاسخگوی نیاز مشتری‌هایشان نبود. گاهی مشتری خواهان خرید موهای حلاجی‌شده در کارخانه مو وازنی بفروشی بود تا زنان و دختران عشایر آن‌ها را با دوک نخ‌ریسی به قاتمه تبدیل کنند و سپس لت‌های سیاه‌چادر را بیافند. گاهی اوقات تاجران این حرفه که از اهالی بفروشی بودند محصولات موتابی را خود برای فروش به بازارهای دایر در مرکز شهر زاهدان می‌بردند و عشایر، قاتمه‌ها را از آن بازارها خریداری می‌کردند. علاوه بر این، لت‌های سیاه‌چادر در آن دوره به افغانستان و پاکستان نیز صادر می‌شدند و در اختیار عشایر آن کشورها قرار می‌گرفتند که دگرگونی مهمی در بازار و تجارت موتابان به حساب می‌آید (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

رواج و رونق هنر - صنعت موتابی که تا اواسط دهه ۶۰ خورشیدی ادامه داشته و ورود ماشین‌آلات و وسایل حمل‌ونقل مدرن نه فقط موجب گسترش بازارهای مصرف حتی صادرات آن به خارج از کشور گردید بلکه باعث شد تا جایگاه اجتماعی و اقتصادی موتاب‌ها در بین سایر حرفه‌ها ارتقاء یابد و در محل شأن و منزلت ویژه‌ای پیدا کنند. همین امر موجب گردید تا عده زیادی به سمت حرفه موتابی سوق پیدا کنند.

۴-۵. اقتصاد هنر - صنعت دستی موتابی

در هر شغل و حرفه‌ای، سودآوری با میزان فروش و تقاضای بازار رابطه‌ای مستقیم دارد. در هنر - صنعت موتابی نیز همین رابطه برقرار است. تا پیش از دهه ۴۰ خورشیدی، فروش محصولات زیاد نبود و بیش‌ترین فروش به خریداران محلی و بومی شهر مربوط می‌شد. به‌تدریج و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی با ورود دستگاه‌های حلاجی و گردگیر، میزان حلاجی موها در روز نسبت به سال‌های قبل چندین برابر شد و به‌دنبال آن حجم تولید موتاب‌ها نیز بالا رفت. در پی این تحول بود که علاوه بر مشتریان بومی، عشایر فارس و سیستان و بلوچستان خریدار محصولات تولیدی این هنر - صنعت بودند. با توجه به قیمت تمام‌شده مو بزرگ، قیمت تمام‌شده تابیدن این موها و هم‌چنین قیمت نهایی، بیش‌ترین سود به تاجران تعلق می‌گرفت که در کار خرید و فروش محصولات موتابی بودند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

از نکات درخور توجه در مسیر دگرگونی و تحول هنر - صنعت موتابی یکی این‌که در دهه ۵۰ خورشیدی و در زمان احداث کارخانه مو وازنی بفروشی، فروش قاتمه‌های تولیدی موتاب‌ها به بیش‌ترین میزان رسید، تقاضا برای خرید موهای حلاجی‌شده نیز از طرف عشایر و بلوچ‌های زاهدان افزایش پیدا کرد. به عبارتی موتاب‌ها کالاهای واسطه‌ای را با ارزش افزوده به خریداران خود می‌فروختند که پیش از آن سابقه نداشت و این خود نوعی دگرگونی و تحول قابل توجه به حساب می‌آمد. در زمان اوج رونق موتابی، تمام تولیدات قاتمه موتابان خریدار داشت، اما قاتمه‌هایی که باریک‌تر ریسیده شده بودند و ظرافت بیش‌تری داشتند با قیمت بهتری به فروش می‌رسیدند. از اواخر دهه ۶۰ خورشیدی، به‌تدریج از میزان خریدار محصولات موتابی کم شد. احتمالاً یکی از دلایل این امر روی آوردن عشایر به یکجانشینی بود. علاوه بر این واردات چادرهای برزنتی از کشورهای همسایه با قیمت تمام‌شده پایین‌تر از محصولات موتابی، باعث کاهش فروش محصولات موتابی

شد و این رکود هر روز بیش‌تر شد. در این باره یکی از موتاب‌ها به این نکته اشاره کرد که بعد از انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) برای عشایر خانه ساخت و آن‌ها دیگر نیازی به لت برای ساخت سیاه‌چادر نداشتند (حبیب رضوانی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

رفته‌رفته با واردات محصولات تهیه‌شده با الیاف مصنوعی و چادرهای برزنتی از کشورهای همسایه، تقاضای عشایر برای خرید قاتمه و لت‌های سیاه‌چادر کاهش یافت. یکی از دلایل این کار، قیمت پایین‌تر محصولات وارداتی بود. هرچند که این محصولات، ویژگی‌های بافته‌شده با موی بز را نداشتند. به هر روی فروش تولیدات هنر - صنعت موتابی به قدری کاهش یافت که در اوایل دهه ۷۰ خورشیدی، تعداد زیادی از کارگاه‌های موتابی و کارخانه مو‌وازی بفروئیه بسته شده و دستگاه‌های کارخانه، فروخته شدند. در اواسط این دهه، تعداد ۶ تا ۸ کارگاه فعال در سطح بفروئیه وجود داشت که البته فروش ناچیزی داشتند. با ادامه رکود بازار، تعداد کارگاه‌های تعطیل‌شده از این هم بیش‌تر شد (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱).

برای درک بهتر وضعیت اقتصادی موتابی شاید مقایسه آن با هنر - صنعت دستی عبابافی در منطقه محمدیه نایین قدری روشن‌گر باشد. یکی از فعالان در عرصه تولید و تجارت محصولات گوناگون تهیه‌شده از پشم شتر چنین عنوان نموده‌است: تولید عبا از دوره صفویه تا حدود ۴۵ سال پیش به ۶۰۰ تا ۷۰۰ تخته در ماه می‌رسیده است ولی در حال حاضر با توجه به کاهش شدید فروش، عبابافی‌ها صرفاً با توجه به سفارش قبلی تولید می‌کنند. با این حال نه‌تنها سفارش سالانه آن‌ها انگشت‌شمار است بلکه صادرات آن‌ها نیز به شدت کاهش یافته‌است. مقصد بازار صادرات عبا در گذشته و اوج رونق آن، کشورهای همسایه خصوصاً سوریه، عربستان، کویت، امارات و حتی پاکستان و افغانستان بوده‌است. با توجه به کساد بازار عبابافی، در حال حاضر بیش‌تر تولیدکنندگان به تولید گلیم روی آورده‌اند. تولید گلیم در کارگاه‌ها در حال حاضر از رونق نسبی برخوردار هست و تقریباً هر کارگاه ماهانه ۱۰ تا ۲۰ تخته گلیم را بیش‌تر برای بازار داخل تولید می‌کند. با این وجود، در حال حاضر تعداد کارگاه‌های فعال مربوط به هنر - صنعت پشم‌ریسی دستی و تولید محصولات گوناگون از پشم در منطقه محمدیه نایین ۵ تا ۶ کارگاه می‌باشد (حسن بیک، از فعالان عبابافی در نایین، مصاحبه آبان ۱۴۰۳).

در مقام مقایسه موتابی و عبابافی، ذکر این نکته ضروری است که محصولات تولیدشده از موی بز در هنر - صنعت موتابی به دلیل زبری این مو هیچ استفاده‌ای برای تن‌پوش و پاپوش انسان ندارند و بنابراین از دامنه مشتریان آن کم می‌شود. از طرف دیگر به دلیل ویژگی‌های خاص موی بز مانند بازشدن منافذ محصولات بافته‌شده از موی بز در تابستان و به هم پیوستن آن در زمستان و نزدیک‌نشدن جانوران خطرناکی مانند مار و عقرب به آن، نسبت به پشم شتر پتانسل بیش‌تری برای تولید محصولات مورد نیاز بازار دارد.

۵-۵. وضعیت اجتماعی موتاب‌ها در گذر تاریخ

افول هنر - صنعت موتابی از نظر اقتصادی از اواخر دهه ۶۰ خورشیدی و تداوم آن در دهه‌های بعدی سبب شد که باز هم از تعداد کارگاه‌های موتابی کاسته شده و موتاب‌های بیش‌تری بیکار شوند. کاهش پایگاه اقتصادی شاغلان به این هنر - صنعت و جلوه‌گری مشاغل جدید موجب گردید که شأن اجتماعی آن‌ها نیز کاهش یابد. به همین سبب تعدادی از اهالی بفروئیه که به مشاغل نظیر پیشه‌وری و کارمندی روی آورده بودند، نام‌خانودگی خود را از «موتاب بفروئی» تغییر دادند (جمال موتاب، مصاحبه شهریور ۱۴۰۱).

از اوایل دهه ۹۰، اداره میراث فرهنگی و پایگاه پژوهشی میراث فرهنگی شهرستان میبد توجه خود را به هنر - صنعت موتابی معطوف داشت. با تلاش و همت آنان و جمعی از اهالی هنردوست محلی، این هنر - صنعت در دی ماه ۱۳۹۳، به شماره ۱۰۶۴ در فهرست آثار ملی ایران جای گرفت. هم‌چنین تبدیل محله بفروئیه به شهر و مرکز بخش بفروئیه در سال ۱۳۹۱، موجی از هویت‌یابی و تلاش برای رشد و پیشرفت را در اهالی بفروئیه ایجاد کرده‌است. به تاسی از این موج احساسات مردمی، در حال حاضر همه نهادهای دولتی و عمومی شهر بفروئیه مانند بخش‌داری، شهرداری و به‌ویژه شورای شهر بفروئیه به‌دنبال احیای هنر - صنعت موتابی هستند. خوشبختانه هنوز حدود یک‌صد نفر در بفروئیه هستند که موتابی را به خوبی می‌شناسند و می‌توانند در آن مشغول به کار شوند (همان).

این پتانسیل و توجه اولیای امور در شهرستان، استان و کشور سبب شده‌است تا مرکزی را به نام «کارگاه موتابی شهید علی موتاب» راه‌اندازی نموده و در سال‌های گذشته در نمایشگاه‌های گوناگون محلی، استانی و اخیراً ملی شرکت کنند. هم‌چنین، کلاس آموزشی موتابی از سوی اداره فنی و حرفه‌ای شهرستان میبد به مربی‌گری آقای حبیب موتاب راه‌اندازی گردیده که معلمی بازنشسته است و خود و خانواده‌شان از موتاب‌های حرفه‌ای و قدیمی بفروئیه هستند. در حال حاضر تعداد کارگاه‌ها به چهار عدد رسیده که گاهی میراث‌دوستان و

دانشجویان و دانش آموزان نیز از آن کارگاه‌ها دیدن کرده و با هنر - صنعت موتابی آشنا می‌شوند. می‌توان گفت که این کارگاه‌ها هم به‌صورت نمدین و سبلیک به این کار مشغول هستند و هم این‌که به‌صورت محدود کار اقتصادی انجام می‌دهند (تصاویر ۸ و ۹). این کارگاه‌ها علاوه بر تولید قاتمه به کار بافت لت‌های سیاه‌چادر روی آوردند تا دوباره بتوانند به این هنر - صنعت بومی و قدیمی رونق بخشند و مهم آن‌که ولو به‌صورت محدود مشتریانی یافته‌اند (حبیب موتاب، مصاحبه مهر ۱۴۰۱). نکته قابل توجه آن‌که آنان در تلاشند تا با مو، محصولاتی متفاوت از آثار پیشین و با کاربری‌های متفاوت نظیر سایه‌بان طبیعی تولید کنند. «زیست پارک مشهد» از آن‌ها تقاضای بافت سیاه‌چادر داشته و علاوه بر این، در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع دستی که در تاریخ ۱۸ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ در تهران برگزار شد مشتریان خوبی از کرمانشاه یافته‌اند (URL3).



تصویر ۸: محصولات تولیدی موجود در کارگاه موتابی (سپه‌لا سلمانی، ۱۴۰۱)



تصویر ۹: کارگاه موتابی (سارا سلمانی)

به‌نظر می‌رسد با شرایط موجود و اقدام‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده، هنر - صنعت دستی موتابی از زوال و مرگ قطعی نجات پیدا کرده‌است. اما توسعه و گسترش و احیای این هنر - صنعت به‌گونه‌ای که اشتغال‌آفرینی و سودآوری را به‌دنبال داشته باشد نیاز به طرح و برنامه‌های دقیق‌تر و بلندمدت‌تری دارد. لازمه آن شناخت خواص موی بز، خلاقیت و نوآوری متناسب با ذائقه مصرف‌کننده در امر تولید کالا و شناخت بازارهای مصرف داخلی و خارجی است که به نظر می‌رسد به‌تهایی از توان دوست‌داران بفروشی این هنر - صنعت و مدیران بفروشیه خارج است مگر آن‌که با کمک متخصصان مربوطه طرحی را تدوین و به‌تدریج پیاده‌سازی کنند.

۶. نتیجه‌گیری

موضوع مهمی که باید از زاویه سیر تحولات تاریخی این هنر - صنعت مورد توجه قرار داد این است که موتابی در گذر زمان در ابعاد گوناگون دچار دگرگونی‌های مهمی شده‌است. اغلب این دگرگونی‌ها که به دلیل ورود برق و تکنولوژی ماشینی و استفاده از کامیون برای حمل‌ونقل به میبد و بفروشیه بوده‌اند، از اوایل دهه ۴۰ خورشیدی آغاز شده و در مجموع دربرگیرنده چگونگی تهیه مواد اولیه، حمل‌ونقل آن، فرایند تولید، میزان تولید، محصولات تولیدی، بازارهای مصرف، نرخ اشتغال، اهمیت آن در معیشت شاغلان آن و جایگاه موتابی در اقتصاد محلی، پایگاه اجتماعی شاغلان در حرفه موتابی و اعتبار شهر بفروشیه می‌شوند.

در این پژوهش که داده‌های خام آن از طریق میدانی و به شیوه مصاحبه و گفتگو با موتاب‌ها، مدیران شهر بفروشیه، آگاهان و مورخان محلی به‌دست آمده‌است یافته‌ها به شرح زیر خلاصه، دسته‌بندی و ارائه می‌گردند:

میزان تولید افزایش و نه‌فقط محصولات نهایی موتابی بلکه کالاهای واسطه‌ای یعنی همان موی حلاجی‌شده و واژه نیز به ایلات و عشایر فروخته می‌شد.

سودآوری و تعداد شاغلان در این هنر - صنعت بعد از ورود ماشین (چه ماشین‌های حمل‌ونقل بار و چه ماشین آلاتی که در فرایند تولید نقش داشتند) از حالت معمول خارج و به‌سرعت رشد کرد. هرچند از اواخر دهه ۶۰ این روند

دگرگون شد. سودآوری این هنر - صنعت پس از دهه ۴۰، بیش‌تر در بخش تجارت بوده تا تولید، در حالی‌که پیش از آن سودآوری در بخش تولید بوده‌است.

مراکز تهیه مواد اولیه و بازارهای مصرف، گسترش یافته و متنوع گردیدند. به گونه‌ای که خریداران از سیستان و بلوچستان به فروئی می‌آمدند و گاه چندین روز می‌ماندند تا کالاهای مورد نیاز آنان تولید شوند. محصولات موتابی حتی به خارج از کشور نیز صادر می‌شدند. این روند از اواخر دهه ۶۰ خورشیدی رو به کاستی گرفت تا در دهه ۸۰ تقریباً رو به نابودی کامل رفت.

ورود ماشین به این هنر - صنعت، میزان اشتغال زنان را کاهش داد، زیرا زنان بیش‌تر به پاک‌کردن موها و واژدن آن مشغول بودند. هرچند جداکردن کرک از مو هنوز تا حدودی کاری زنانه تلقی می‌گردد.

ورود ماشین و گسترش تولید و فروش سبب شد تا فروئی به اعتبار بالایی برخوردار شود. موتاب‌ها از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی برخوردار شدند و هم‌بستگی بالایی میان موتاب‌های فروئی نشان از هویت مستقل شغلی آن‌ها بود. اما این روند دیری نپایید و از اواخر دهه ۶۰ خورشیدی، سیر نزولی به خود گرفت تا این‌که در دهه ۸۰ به پایین‌ترین نقطه خود رسید.

ورود ماشین آلات و در نتیجه افزایش تولید و سودآوری و افزایش نرخ اشتغال، پایگاه اجتماعی و اقتصادی موتاب‌ها را افزایش داد، ولی از اواخر دهه ۶۰، این روند معکوس شد به گونه‌ای که بسیاری از موتاب‌ها حتی نام‌خانوادگی خود را از «موتاب فروئی» تغییر دادند.

نکته دارای اهمیت این است که به‌رغم دسترسی به نیروی برق، خوشبختانه موتاب‌های فروئی هنوز بخش موتابی را کاملاً به صورت دستی و سنتی انجام می‌دهند. همین امر موجب شده است که هنر - صنعت موتابی هم‌چنان به‌عنوان صنایع دستی به رسمیت شناخته شود. به گونه‌ای که در دی ماه سال ۱۳۹۳ موتابی به‌عنوان میراث ناملموس در فهرست آثار ملی جای گرفت. هم‌چنین اخیراً نیز شهر فروئی به‌عنوان شهر ملی موتابی معرفی شده است. علاوه بر آن، اراده مدیران شهر فروئی باعث پیدایش جوش و خروشی درون این هنر - صنعت و اهالی آن شده و امیدهای فراوانی برای احیای این هنر - صنعت، به‌روزکردن و اقتصادی کردن آن ایجاد شده‌است که خوشبختانه از حمایت‌های راهبردی و مالی دولتی و نیز افکار عمومی برخوردارند. به گونه‌ای که اکنون چهار کارگاه موتابی در فروئی به‌طور دائم فعال هستند و در نمایشگاه‌های متعدد ملی شرکت کرده و مورد توجه مقامات دولتی قرار گرفته‌اند. موهای مورد نیاز این کارگاه‌ها اغلب از سمنان تهیه می‌شود و مشتریانی از عشایر به سراغ آن‌ها آمده‌اند و از همه مهم‌تر این‌که بازارهای مدرن داخلی ولو اندک پیدا کرده‌اند. از این قرار به نظر می‌رسد که چنان‌چه این تلاش‌ها در چهارچوب آینده‌پژوهی و با برنامه‌ریزی عالمانه و مبتنی بر خلاقیت و نوآوری و تشخیص ذائقه بازار باشد، می‌توان امیدوار بود که این هنر - صنعت بار دیگر بتواند روی پاهای خود ایستاده و به سودآوری لازم برای بقا دست یابد.

برای تثبیت هنر - صنعت موتابی و رونق نسبی و دوباره آن موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند سبب تثبیت و رونق این هنر - صنعت شود همانا درنظر داشتن مفهوم «معاصریت» از سوی تولیدکنندگان می‌باشد بدون آن‌که به اصالت و دستی بودن موتابی خدشه‌ای وارد شود. با رعایت این شرط، معاصریت می‌تواند در همه مراحل تهیه و فرآوری مواد اولیه، تولید محصولات و بازارهای مصرف، عملیاتی بشود. البته پیش از آن لازم است تا موتاب‌ها به‌لحاظ هویتی به رسمیت شناخته شوند تا اعتماد به‌نفسی دوباره بیابند. امری که پژوهشگران امیدوارند این تحقیق، گامی هرچند کوچک در مسیر آن باشد.

در مرحله تهیه مواد اولیه، امکان تهیه موی بز از مناطق نزدیک‌تر مثل منطقه ندوشن وجود دارد که یکی از مراکز مهم دامپروری استان یزد به‌ویژه پرورش بز به شمار می‌رود. موتاب‌ها می‌گویند در گذشته‌های دور گاهی موی بز را از منطقه ندوشن تهیه می‌کردند اما در دهه‌های اخیر، دیگر با این منطقه تعاملی نداشته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از نظر بهداشتی مرحله فرآوری آسیب‌رسان‌ترین مرحله در موتابی است و موتاب‌ها اغلب به بیماری‌های تنفسی مثل آسم مبتلا می‌شده‌اند. لازم است به موتاب‌ها آموزش رعایت نکات بهداشتی مثل ماسک‌زدن در این مرحله داده شود.

در مرحله تولید محصولات، پیشنهاد آن است که به مزایای نسبی موی بز توجه شود و با توجه به آن‌ها و به نیازهای بازار، محصولات جدیدی تولید شوند. مهم‌ترین مزیت‌های موی بز عبارتند از: ۱. سبز بودن آن یعنی متناسب بودن آن با محیط زیست؛ ۲. عملکرد خودکار موی بز در زمستان و تابستان برای حفاظت از گرما، سرما و باران؛ ۳. دوری‌گزیدن گزندگان و خزندگان خطرناک از آن؛ ۴. مقاومت در برابر آتش. از این قرار لازم است تا با موی بز محصولاتی متفاوت از محصولات پیشین و با کاربری‌های متفاوت نظیر سایه‌بان طبیعی تولید شوند. استفاده از سایه‌بان‌های چتری از جنس لت‌های سیاه چادر که قابلیت باز و بسته‌شدن داشته باشند در آلاچیق کافه‌رستوران‌ها، روف‌گاردن‌ها و کمپ‌های طبیعت‌گردی و حتی سایه‌بان‌های پلیس، می‌تواند گزینه خوبی برای استفاده مجدد از این دست‌بافته‌های موبین باشد. استفاده از

محصولات موتابی در این دست آلاچیق‌ها مانع ورود باران در زمستان و مهم‌تر این‌که مانع ورود گزندگان به آلاچیق به‌ویژه در کمپ‌های طبیعت‌گردی می‌شود. هم‌چنین جنبشی که هم‌اکنون برای استفاده از محصولات سازگار با محیط‌زیست در کشور احساس می‌شود، فرصت خوبی برای رونق دوباره این هنر - صنعت است. یافته‌های ما نشان می‌دهد که «زیست پارک مشهد» از موتاب‌های بفروئیه تقاضای بافت سیاه‌چادر را داشته که ظاهراً تأمین نشده است. هم‌چنین به گفته یکی از افراد صاحب‌مقام در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، فدراسیون کوهنوردی کشور طناب‌هایی را درخواست داده که برای محیط‌زیست بی‌ضرر باشند. نظر به استحکام مثال‌زدنی طناب مویی در مقایسه با طناب‌های نخی، بهتر است موتاب‌های بفروئی این درخواست را پیگیری و عملیاتی کنند.

در مرحله فروش و یافتن مشتری و بازارهای مصرف جدیدتر، موتاب‌های بفروئی نیاز به کمک و آموزش دارند. اغلب آن‌ها می‌گویند: «دیگر مشتری نداریم. کسی احوالی از ما نمی‌پرسد.» این امر نشان از آن دارد که با الزامات بازاریابی در عصر جدید آشنایی ندارند، امری که موتاب‌ها خود به تنهایی قادر به ایجاد آن نیستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا مدیران شهری بفروئیه با کمک سازمان‌های دولتی مسئول، عهده‌دار آموزش نسل جوان‌تر موتاب‌ها در این خصوص شده و نسبت به مفاهیمی مانند خلق نیاز جدید، تبلیغات مدرن و ارتباط با سرشاخه‌های تجارت برای پخش محصولات جدیدی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، توجه نمایند.

سپاسگزاری

مصاحبه با آقای حسن بیک توسط آقای محسن فرزانیان محمدی، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی دانشگاه مبد و در نایین انجام شده که از ایشان قدردانی می‌شود. هم‌چنین از آقای مجید برائمی، مدرس زبان انگلیسی دانشگاه علم و هنر یزد به جهت ویرایش و اصلاح متن چکیده مبسوط انگلیسی قدردانی می‌شود.

منابع

- افتخار، فریبا. (۱۳۹۴). تاریخ جامع ایران (ج. ۱۸). تهران: انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلام.
- امیدوار، کمال. (۱۳۹۹). شهر بفروئیه از منظر گردشگری. تهران: انتشارات علم نوین.
- بهشتی، سیدمحمد. (۱۴۰۳). توسعه در تاریکی. تهران: انتشارات روزنه.
- بیک، حسن؛ مصاحبه شخصی (محسن فرزانیان محمدی). (۱۴۰۳). از فعالان عرصه هنر - صنعت دستی عبابافی در نایین.
- جانب‌اللهی، محمدسعید. (۱۳۸۵). چهل گفتار در مردم‌شناسی مبد (دفتر دوم و سوم: مردم‌شناسی اقتصادی). تهران: انتشارات گنجینه هنر.
- خاکزار بفروئی، مرتضی، بناء بفروئی، حمیدرضا، و موسوی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). بفروئیه در گذر زمان. تهران: انتشارات توانگران.
- رمضانخانی، صدیقه. (۱۳۹۳). فرهنگ مشاغل استان یزد (پیشینه‌های سنتی، هنرها و صنایع دستی). یزد: انتشارات اندیشمندان.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳). مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی: «نان شب» مردم‌نگاران ایران. دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱ (۲)، ۴۹-۱. doi: 10.22054/qjik.2016.1563
- کریمی، اصغر. (۱۳۹۸). دانشنامه فرهنگ مردم ایران (ج. ۲). مدخل بز. تهران: انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

منابع اینترنتی

- URL1 : <http://www.handicraftiran.com> (Access Date: May 2022)
- URL2 : <http://www.irna.ir> (Access Date: January 2023)
- URL3 : <https://eitaa.com/ebafroo> (Access Date: June 2024)

The Historical Variations of Mootabi Handicrafts in the City of Meybod

Hassan Zarei Mahmoudabadi

Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Meybod University, Yazd, Iran (Corresponding Author)/
h.zarei@meybod.ac.ir

Sara Salmani

M. A in Iranology, Meybod University, Yazd, Iran/ Sarasalmani1993@yahoo.com

Received: 23/06/2024
Accepted: 28/08/2024

Introduction

Recognition of indigenous knowledge and technologies, some of which have been represented in form of handicrafts, is a requirement for sustainable development in developing countries. Fortunately, Iran has a brilliant position in the world in terms of indigenous knowledge and traditional technologies regarding handicrafts, although it is lacking in quality research and studies on such folk knowledge and technologies. Among such folk knowledge that has not gained that necessary attention, one can refer to Mootabi. The indigenous art and craft of Mootabi can be located in the city of Bafruiyeh in Meybod, Yazd. As a bedrock of this indigenous art, Meybod was named the National Mootabi city of Iran by the Ministry of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts in July, 2025. The history of this art and craft in Bafruiyeh, which is one of its main centers in the country, can be considered to be more than two centuries old. Mootabi refers to the spinning of goat hair to produce direct products such as Ghatmeh, rope, barbs, and indirect products such as black-cloth, sackcloth, cow hide, donkey hide, and camel hide. The most important advantages of goat hair are: its greenness, it's compatible with the environment; the automatic function of goat hair in winter and summer to protect against heat, cold, and rain, keep dangerous biting insects and reptiles away from it, and resist fire.

Research Method

The main issue of this research is to show the historical developments of Mootabi art-industry in Bafruiyeh, Meybod. This research, which was conducted using a descriptive-analytical method, aims at better understanding of Mootabi and its historical developments as well as giving identity to the practitioners of this art-industry and paving the way for its revival in more up-to-date forms. The data of this research were collected through field and library studies and through means of observation, interview, photography, and recording. The statistical population of this research in its field section consists of the Mootabs of Bafruiyeh, local experts and historians, as well as the urban managers of Bafruiyeh. The necessary statistical samples were selected using a non-probability snowball method until the last sample or until theoretical saturation. For this purpose, the informants of the city of Bafruiyeh were first met. After interviews and discussions about the generalities of Mootabi handicrafts, the scholars and practicing activists of this field were asked

پژوهش‌های ایران

مطالعه و تحلیل تحولات
تاریخی هنر - صنعت دستی
موتابی در شهرستان میبد،
حسن زارعی محمودآبادی و
سارا سلمانی، ۱۳۹۷-۲۱۲

about, and in this way more people were identified. After that, specialized interview sessions were held with them. In these interviews, researchers asked their own questions and recorded the given answers in form of audio. The next stage was observation, carried out in forms of pure and participatory observation. To observe, researchers went to the available few historic workshops in Bafruiyeh neighborhood. To gain a better and deeper understanding of the ins and outs of Mootabi, one of the researchers spent some time learning Mootabi from a Mootabi master to be able to perform it practically.

Research Findings

The findings of this study show that since about 1957, with the arrival of electricity, machinery, and automobiles in Bafruiyeh, all aspects of Mootabi have gradually changed, including the ways of obtaining goat hair, its transportation, its production process, its manufactured products, its consuming markets, its employment rates, its place in economy, the social base of the employed ones, and the reputation of the city of Bafruiyeh. After the arrival of machinery (both freight-carrying machines and machines involved in the production process), the profitability and the number of employees in this craft went beyond the usual state and grew rapidly. However, this trend changed since the late 1970s. After 1950s, the profitability of this art and industry was more in the trade sector than in production, so that not only the final products but also the hair that had been cut and combed were sold as intermediate goods to tribes. While before that, the profitability was more in the production sector. The centers for the procurement of raw materials and consumer markets were so expanded and diversified that buyers from Sistan and Baluchistan came to Bafruiyeh and sometimes stayed for several days until the goods they needed were produced. Mootabi products were even exported abroad. This trend began to decline from the late 1970s until it almost disappeared in 2000s. The introduction of machinery into this art and industry reduced the employment of women, because women were mostly engaged in cleaning and combing hair. However, removing lint from hair is still considered a female task to some extent. The introduction of machinery improved production, profitability, employment rates, and the social and economic base of the Mootabi; however, since the late 1970s, this trend has been reversed so much so that many Mootabs have even changed their surnames from 'Mootabi Bafruiyeh.'

Conclusion

The important point is that, despite access to electricity, Bafruiyeh's Mootab still performs fortunately the main part, which is braiding hair together, completely manually and traditionally. This has led to the recognition of Mootabi art and craft as a handicraft to the extend that in January 2014, Mootab was included in the list of intangible heritage of Iran. The most important issue, capable of stabilizing and Thriving this art and craft, is that the attitude of producers to consider the concept of "contemporariness" without compromising the authenticity and craftsmanship of Mootabi. By observing this condition, *modernity* can be welcomed in all stages of raw material procurement, processing, production, and market consumption. Of course, it is first necessary for the Mootabs to be recognized in terms of identity to regain self-confidence. This is the condition that the researchers hope to be realized through such studies.

Keywords: art industry, Bafruiyeh of Meybod, variations, Mootabi.

References

- Beheshti, S. M. (2024). *Development in darkness*. Tehran: Rozena Publications. [In Persian].
- Eftekhari, F. (2014). *Comprehensive history of Iran (Vol. 18)*. Tehran: Big Encyclopedia of Islam Publications. [In Persian].
- Farhadi, M. (2016). Ethnography of Traditional Knowledge and Echnologies; Daily Bread of Iranian Ethnographer. *Indigenous Knowledge*, 1 (2), 1-49. doi: 10.22054/qjik.2016.1563 [In Persian].
- Janebullahi, M. S. (2015). *Forty discourses in anthropology (Vol 2-3: Economic anthropology)*. Tehran: Ganjineh Honar Publications. [In Persian].
- Karimi, A. (2018). *Encyclopaedia of Iranian people's culture (Vol. 2)*. Goat Entry. Teran: Big Encyclopaedia of Islam Publications [In Persian].
- Khakzar Bafrouyee, M., Bana Bafrouyee, H. & Mousavi, S. M. (2020). *Bafrouyeh in the passing of time*. Tehran: Tawangaran publications. [In Persian].
- Omidvar, K. (2019). *The moutab of Bafrouyeh city in landscape tourist*. Tehran: Elam Novin Publications. [In Persian].
- Ramzankhani, S. (2013). *Yazd province business culture (traditional backgrounds, arts and handicrafts)*. Yazd: Andishmandan publications. [In Persian].

URLs

- URL1: <http://www.handicraftiran.com> (Access Date: May 2022)
- URL2: <http://www.irna.ir> (Access Date: January 2023)
- URL3: <https://eitaa.com/ebafroo> (Access Date: June 2024)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مطالعه و تحلیل تحولات
تاریخی هنر - صنعت دستی
موتابی در شهرستان میبد،
حسن زارعی محمودآبادی و
سارا سلمانی، ۲۱۲-۱۹۷